

سلامت حضرت رسول برسان و اعلام کن شیخ دین و ایم پس شیخ
آمد و رسول را صلی الله علیه و سلم از حال حارث خبر داد رسول صلی
الله علیه و سلم گفت بولا که شد حارث و عام فتح بود که حارث
وفات یافت و ملک وی بدیکری انتقال یافت **و از آنجا که است**
که فرقه بن عمرو الخدای که حامل قیصر بود بر عمان چون خبر رسول
صلی الله علیه و سلم شنید ایمان آورد و از اسلام خود رسول را
صلی الله علیه و سلم اعلام کرد و کتاب نوشت و بعد با فرستاد
مضمون کتاب آنکه بجز رسول الله اعلام نموده می آید که در عالم
اقرار کردم و گواهی دیم که تو همان رسولی که مقدم تو علی السلام
بشارت داد است و السلام علیکم و چون خبر اسلام فرود بقصر
رسید و بر اهل کرد و جنس فرود گفت و الله که هرگز از
دین محمد اعراض نخواهم کرد و تو نیز می دانی که او رسول خدا است
و همان پیغمبر است که عیسی علیه السلام مقدم وی بشارت داد است
و عدم اقیاد تو از دوستی دنیاست قیصر گفت چنانچه بگوید
میگویی و فرود از اسلام باز نکشت و در جنس هلاک شد
و از آنجا که است که چون حاطب ابن ابی بلتعه کتاب رسول
صلی الله علیه و سلم بمشوقین ملک اسکندریه رسانید ویرا توفیر و تقییم
بسیار کرد و در جواب نوشت که من می دانم پیغمبری باقی مانده است
که خاتم انبیا است ولیکن مکان می برودم که وی از شما بیرون آید

و مراد

و بهر آنکه کتاب دو جا ریکه یکی با بر بود و استری سفید که بد لذل
مشهور است و بعد ای دی که فرستاد و با حاطب گفت که این
صفاتی که تو از صاحب خودی کوی بی موصفات آن رسولات که
عیسی علیه السلام بمقدم او بشارت داده است و او بعد ازین ظاهر
خواهد شد و اصحاب او با حال با نزل خواهد کرد چون حاطب
راجعت نمود و معالمت ویرا با رسول صلی الله علیه و سلم گفت رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود که آن خبیث بلکه خود بخوبی کرد اما ملک ویرا
بنیادی نخواهد بود وی در خلافت امیر المؤمنین عرضی الله عنده
در مصروفات کرد **و از آنجا که است** که چون سلیمان بن عمرو
بن العاص کتاب رسول را صلی الله علیه و سلم بسوی بنو فزّه بن علی
الحنفی برد و در جواب آن نوشت که من شاعر قوم خریش و خطیب
ایشانم و در دل عرب از من مهابتی است آنچه خلق را بآن میخوانی
بنایت خوش است علی بعهده من کن تا اتباع تو کنم رسول صلی الله
علیه و سلم گفت اگر از من یک فراطلبه که بر زمین افتاده باشد بدو
ندم خود و آنچه در دست و پست هلاک شد چون رسول صلی
الله علیه و سلم از فتح مکه بازگشت جبرئیل علیه السلام آمد و از موت
بنو فزّه خبر داد رسول صلی الله علیه و سلم گفت بعد ازین در میان
در و بی کوی پیدا شود که دعوی نبوت کند و بعد از آن گفته شود
فکان کما قال صدق رسول الله **و از آنجا که است** که رسول

صلی الله علیه و سلم